

وحدت عامل قدرت

✚ علیرضا کمیلی



باکمال تأسف، آنچه تاکنون درباره «وحدت اسلامی» گفته و شنیده‌شده، نوعاً برخی منظرهای سیاسی با نکات فرعی بوده است! با این توضیح که برخی وحدت را فقط از منظر سیاسی که تصدیق عقلی دارد و نیازی به تصریح شارع نیست، یعنی مراعات یکدیگر در زمان حضور دشمن مشترک، بیان کرده‌اند و گویی که مبنایی دینی و اعتقادی برای آن وجود ندارد و برخی نیز در مسائلی فرعی و جزئی مانند شبهه دست کشیدن از برخی عقاید طرفین محدود ساخته‌اند که این نیز بلاموضوع است چراکه اساساً وحدت به معنای عقب‌نشینی از عقاید نیست و جنبه مراعات عملی دارد، واضح است که اگر قرار باشد عقاید یکی بشوند که دیگر مساله وحدت معنا نداشته و میسور نیست!

حال آنکه می‌بینیم قرآن کریم و نیز لسان روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام در فضای دیگری سیر می‌کند که کمتر موردتوجه بوده است. آیه ۴۶ سوره انفال اشاره به نکته‌ای محوری در باب آثار وحدت امت اسلامی دارد: «وَ أَلْفَعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶)

«از خداوند و رسول او تبعیت نمایید و اختلاف و منازعه نکنید چراکه ضعیف شده و قدرت خود را از دست خواهید داد و صبر پیشه سازید که خداوند با صابران است»

شایسته است این آیه و آیات دیگری که در رابطه با وحدت امت اسلامی وجود دارند، از منطری تمدنی و با محوریت مساله «عزت و قدرت» بازخوانی شوند.

آنچه در سطح اجتماعی نمود و نماد یک تفکر است، عزتی مطلوب و قدرتی مخفی(هراس‌آور) می‌باشد، بدین معنا که جامعه اسلامی باید همواره شامل عزتی جذاب و مورد خواست مردمان نیکوسیرت و نیز قدرتی هراس‌آور و مایه ترس دشمنان و مردمان بدسیرت باشد چراکه نظام گرایش‌ات انسانی همواره بر همین دو امر مبتنی است.

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۵۷ سوره بقره اشاره می‌کنند که انسان‌ها همه اعمالشان را یا برای جلب منفعتی مطلوب و یا برای دفع ضرری نامطلوب انجام می‌دهند و از همین رو خداوند در قرآن مبدأ عزت و قدرت را فقط خود معرفی می‌نماید تا این گرایش را جهت صحیح بدهد: «ان العزه لله جمیعاً» (یونس/۶۵) و «ان القدره لله جمیعاً» (بقره/۱۶۵).

با همین مبناست که باید همواره «امت اسلامی» نه صرفاً از خوف دشمن که برای ایجاد عزت و قدرت در خویش دارای وحدت باشد، از این منظر «وحدت اسلامی»، نه یک راهبرد برای تحمل یکدیگر در شرایط خاص که راهبردی محوری برای تقویت بنیان امت اسلامی و ایجاد عزت و قدرت در راستای بنای تمدنی جدید است؛ حضرت امام خمینی(ره) نیز با نگرش تمدنی خویش، فهم نویی از روایات متعدده وارده از ائمه اطهار علیهم‌السلام ارائه نمودند که «تقیه مداراتی» نام گرفت و بر مبنای حداقلی «تقیه خوفی» بنا نشده بود. در این نگرش، مسلمانان چه در معرض خطری مشترک و بزرگ باشند و چه نباشند باید روابطی برادرانه داشته و با تشریک‌مساعی و همدلی و صمیمیت مسیر تمدن‌سازی را هموار سازند تا از این طریق جامعه جهانی را به‌سوی اسلام عزیز - به‌عنوان آخرین دین الهی - جلب نمایند.

این شاخص به‌خوبی در سخنی از رهبر معظم انقلاب که در اردیبهشت‌ماه سال ۸۸ بیان گردیده، روشن شده است: «... «و تذهب ریحکم» یعنی چه؟ یعنی همین دیگر وقتی اختلاف پیدا شد، وقتی تفرقه پیدا شد، وقتی نسبت به هم سوءظن وجود داشت، وقتی یکدیگر را خائن دانستیم، طبیعی است که باهم همکاری نخواهیم کرد. همکاری هم اگر نکنیم، باهم صمیمی نخواهیم بود.»

پرواضح است که این معنای وحدت، رویکردی حداقلی نداشته و به دنبال ایجاد همدلی و همکاری مبتنی بر نگرشی برادرانه و صمیمی در همه فرق اسلامی می‌باشد، این مهم در شرایط فتنه‌بار کنونی که رسانه‌های متعدد افراطی شیعه و سنی، «تصویر ذهنی» طرفین نسبت به یکدیگر را تخریب نموده و سنی را ضد اهل‌بیت و شیعه را منحرف و مشرک نمایانده‌اند، جز با تمسک به تأکیدات ویژه اهل‌بیت علیهم‌السلام قابل تحقق نیست.

در پایان به یکی از این فرامین اشاره می‌نماییم باشد که سعی کنیم مایه زینت اهل‌بیت باشیم: در حدیث صحیح از زیدشحام از امام صادق علیه‌السلام است که در کلامی خطاب به او فرمودند: ای زید! با مردم (در لسان روایات به معنای اهل سنت است) بر اساس خلقیات خودشان رفتار کنید، در مساجدشان نماز بخوانید، به عبادت مریض‌هایشان بروید، بر تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید، اگر توانستید امام یا مؤذن نمازها باشید، بایستید که اگر شما چنین کردید خواهند گفت: این‌ها جعفری هستند، خدا جعفر را بیامرد، چقدر خوب یارانش را تربیت کرده است و اگر این کارها را نکنید، خواهند گفت: این‌ها جعفری هستند، خدا جعفر را نیامرد، چقدر بد یارانش را تربیت کرده است. (ابن‌بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱؛ ص ۲۸۳ رقم ۱۱۲۸)

نسخه‌های بدلی

حجت‌الاسلام مهدی مسائلی

اگر گذری در جوامع اسلامی داشته باشیم، خواهیم دید همه فکرها و دیدگاه‌ها خود را طرفدار وحدت اسلامی معرفی می‌کنند، حتی تفرقه انگیزان نیز می‌گویند مسلمانان باید باهم وحدت داشته باشند اما بهر استی مقصود آن‌ها از وحدت چیست؟!



✚ وحدت از منظر وهابیت

وحدت از نظر وهابی‌ها و بعضی افراطیون اهل سنت، به این معنی است که همه مسلمان‌ها، چه شیعه و سنی، باید اندیشه آن‌ها را بپذیرفته و وهابی شوند؛ با این نگاه و رویکرد آن‌ها نیز همایش وحدت اسلامی برگزار می‌کنند.

حتی جریان‌های مزدوری همچون داعش نیز با رویکرد حاکم نمودن اندیشه خویش برجهان اسلام، نقشه واحدی از جهان اسلام ارائه داده و با حذف مرزهای ملی و جغرافیایی همه مسلمانان را به بیعت با خلیفه خویش فرامی‌خواند تا با یکسان ساختن اعتقادات مسلمانان وحدت بین آن‌ها حاصل شود.

✚ وحدت از منظر افراطیون شیعه

از این طرف، گروهی از افراطیون و تفرقه انگیزان شیعه نیز خود را طرفدار وحدت اسلامی می‌نامند اما وحدت در نگاه آن‌ها نه تنها یعنی شیعه شدن اهل سنت، بلکه پذیرفتن تمام سلاقی و اعتقادات افراطی آنان، البته این عده از تعابیر زیبا و دل‌نشینی نیز در این مسیر بهره می‌برند و اعلام می‌دارند اهل‌بیت (ع) باید محور وحدت مذاهب اسلامی قرار گیرند و همه مسلمانان باید حول و پیرامون آن بزرگواران به وحدت برسند. کیست که نداند همه مسلمانان، چه سنی و چه شیعه، محب و دوستدار اهل‌بیت(ع) هستند اما منظور این عده از محور قرار گرفتن اهل‌بیت(ع) در وحدت اسلامی این معنا نیست، بلکه پذیرفتن خلافت و امامت اهل‌بیت(ع) توسط اهل سنت و شیعه شدن آن‌هاست، بلکه فراتر از این، همه مسلمانان باید اندیشه‌ها، رفتارها و حتی عادات آن‌ها را با این عنوان بپذیرند!

هرچه هست این‌گونه تفسیرها از وحدت

اسلامی، یعنی ایجاد تفرقه و دشمنی بیشتر، یعنی این‌که مسلمانان با یکدیگر بجنگند تا اندیشه خویش را برجهان اسلام حاکم کنند؛ با این رویکرد نه تنها جنگ و دشمنی در روابط میان مذاهب اسلامی حاکم می‌شود، بلکه در درون هر مذهب نیز افکار و سلیقه‌های مختلف به جان یکدیگر می‌افتند تا اندیشه خویش را در فضای مذهبی حاکم کنند.

✚ القاناتی که وحدت نیست!

با این مقدمه، باید بر این نکته تأکید کنیم که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت، هیچ‌گاه وحدت مذهبی و افکار و سلیقه‌ها نبوده و نیست زیرا وحدت مذهبی به این معنا نیست که: ۱- «از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود.» مثلاً همه مسلمانان شیعه شوند. ۲- «مشترکات همه مذاهب گرفته شود و متفرقات همه آن‌ها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ‌یک از مذاهب موجود نباشد.»

متأسفانه همواره افرادی از روی بی‌اطلاعی و یا غرض‌ورزی این‌گونه معناهای نادرست و غیرقابل‌قبول از وحدت اسلامی را در میان مسلمین القاء می‌کنند تا بدین‌وسيله اعتراض‌ها و جبهه‌گیری‌هایی را در مقابل این هدف بزرگ و عالی به وجود آورند، حقیقت نگاه عالمان روشنفکر مسلمان از وحدت اسلامی در ادامه مطرح می‌شود.

✚ حقیقت اول وحدت؛ اُمت واحد اسلامی

مسلمانان در برابر دشمنان مشترکشان امتی واحد باشند، یعنی مسلمانان با درک اشتراکاتشان و تأکید بر آن‌ها، امت واحد اسلامی را به وجود آورده و به مصاف دشمنان اسلام بروند و بی‌جهت نیروی خویش را صرف دشمنی و مخاصمه با یکدیگر نکنند؛ این حکمی عقلی و استدلالی برهانی است که قرآن کریم نیز با تأکید بر آن می‌فرماید. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ؛ ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما مشترک است بایستیم.»

آیه فوق یک ندای وحدت است در برابر تمام مذاهب آسمانی و توحیدی، بر اساس اصل مشترک میان آنها یعنی توحید.

یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در اصول مهمی همچون توحید و نبوت پیامبران الهی اشتراک نظر دارند که از این ادیان با عنوان «ادیان توحیدی» یاد می‌شود.

عقل و شرع حکم می‌کنند که این ادیان توحیدی باید در مقابل دشمنان توحید و رسالت الهی در یک جبهه قرار گرفته و به‌صورت مشترک در راه اعتلای کلمه توحید بکوشند، پس در این مسیر نباید با دشمنان توحید همدست شده و با پیش کشیدن اختلافات میان خویش، در راه حذف اندیشه‌های توحیدی قدم بردارند زیرا مسلماً اگر توحید این سنگ بنای ادیان الهی زیر سؤال برود و تضعیف شود، مطرح کردن خصوصیات دینی دیگر بی‌ارزش و بی‌فایده خواهد بود.

از همین رو همه مسلمانان نیز باید بدانند با پذیرش کلمه توحید و اقرار به نبوت پیامبر اسلام(ص) تحت لوای اسلام قرار گرفته و باید همه توان خویش را در راه اعتلای آن مصروف دارند، پس در این راه نباید اختلافات میان خویش را اصل قرار داده و اسلام این اصل مشترک مهم میان خویش را فراموش نموده و در

جهت تضعیف امت اسلامی قدم بردارند، عملی که منفعت آن برای دشمنان اسلام و ضررش برای همه مسلمانان است.

از این منظر می‌توان سکوتِ امام علی، صلح امام حسن و ولایت‌عهدی امام رضاع(ع) را در راستای حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان دید. چنانچه امیرالمؤمنین- علیه‌السلام- خود دراین‌باره فرمودند: یعنی با خود اندیشیدم و دیدم که صبر آبر محرومیت از حق ولایت و زعامت مسلمین آبرتر است از به هم زدن وحدت مسلمین و ریخته شدن خونشان، چراکه مردم تازه‌مسلمان بودند و دین به مشک می‌مانست که کمترین سستی آن را تباه و ناتوان‌ترین مردم آن را وارونه می‌کرد.» (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۰۳ و بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۶) این سیره قطعی اهل‌بیت(ع) است که مخالفت با آن، درواقع مخالفت با آن بزرگواران است، چنانچه امام حسن(ع) نیز پیرامون صلح خویش با معاویه می‌فرمایند: «همانا معاویه درباره حقی که مخصوص من است با من به منازعه برخاست، ولی من آن را ترک کرده و به معاویه واگذار کردم؛ زیرا صلاح امت اسلامی و حفظ جان مسلمانان را در این کار دیدم.» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۹۰۳)

امروز نیز مسلمانان باید بدانند که دشمنان اسلام و مسلمین، همچون اسرائیل غاصب، بیشترین سود را از

مسلمانان در تبلیغ مرام و مسلک خویش، باید متانت را حفظ کنند، به یکدیگر سب و فحش و دشنام ندهند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبندند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره، احساسات یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند